

امام حسن عسگری (ع) به عنوان اسوه حسنه امت اسلام بر آن است تا مومنان واقعی را با سلوکی تربیت کند که افتخار اهل اسلام و ایمان باشند.این رو ایشان نیز مانند دیگر امامان(ع) تمامی تلاش خود را مصروف این معنا کرد تا مردمانی سالم و صادق تربیت کنند با قول و فعل خویش، آنان را به مکارم اخلاقی بخواند تا در قله فضایل اخلاقی قرار گیرند. نویسنده در این مطلب بر آن استست بسه برخی صفات **مومنان و شیعیان واقعی از زبان آن امام اشاره کند.**

شیعه، الگوی مومنان واقعی

هرمسلمانانی دوست دارد تا در فراز برتر قرار گیرد و به عنوان مومن واقعی شناخته شود. از آن جایی که راه رسیدن به این مقام از درون آزمون‌ها وفتنه‌ها و بلایا و ابتلاات می‌گذرند،لازم است انسان عزم آهنین و استواری داشته باشد تا در برابر وسوسه‌های درونی و بیرونی مقاومت کند و با صبر و استقامت در مسیر حق بتواند به این مقام برسد.

از نظر اسلام هر انسانی با گفتن شهادتین در جرحه مسلمانان قرار می‌گیرد و جان و مال و عرض او در امان خواهد بود و به عنوان امت اسلام از همه حقوق شهروندی بهره‌مند خواهد شد، حتی اگر چنین شخصی از مسلمانی یا حتی منافق باشد، ولی هر حق شهرو شهروندی را در دنیا به نفع یا یک مسلمانی نادیده گرفته نمی‌شود مگر آن که نفاق خود را به شکل کینه‌های عمیق و عملی نسبت به مسلمانان و جامعه اسلامی نشان دهد که در این صورت به عنوان یک مجرم سیاسی یا حقوقی با او برخورد می‌شود.

اما اسلام و مسلمان شدن، تنها گام نخست حرکت در مسیر رسیدن به کمال و عبور تا مرحله مثاله و خدایی شدن و به عهده گرفتن مسئولیت عظیم خلافت الهی در مقام مظهر ربوبیت است. از این رو انسان باید در آزمون‌های متعدد و متنوع سربلند بیرون آید و نشان دهد تا چه اندازه از نظر معرفتی به جزم رسیده و از نظر عملی دارای عزم است.

خداوند در آیاتی از جمله آیه ۱۴ سوره حجرات می‌فرماید که از مرحله اسلام تا ایمان راهی پس طولانی است تا انسان به چنان جایگاهی برسد که در مقام عمل، مطیع محض اوامر الهی و پیامبر(ص) باشد.

هرچه انسان دراندیشه، به قطع و یقین برهانی نزدیک‌تر شود، جزم اندیشی او چنان خواهد بود که هیچ گونه شبهه و تردیدی در او ایجاد نمی‌کند و هرچه این اندیشه با عواطف و احساسات قلبی آمیختگی بیشتری پیدا کند، بیش از پیش در مقام عمل دارای عزم خواهد شد و همت عالی، او را به انجام هر کاری هرچند به نظر غیرممکن می‌کشاند و همه مواع را از سر راه برمی‌دارد و با استقامت و صبر، بر مشکلات چیره می‌شود.

چنین شخصی از نظر ظریف وجودی به چنان سعه وجودی می‌رسد که یقین در یافتت علوم الهی را یافته و نسبت به ملکوت هستی دانش شهسویدی پیدا می‌کند و راه برای عمل ایثاری و قربی بهتر و بیشتر برای او می‌شود، چنانکه حضرت ابراهیم(ع) با گذر از آزمون‌های سخت الهی نتوانست ملکوت را رویت کند.(انعام، آیه ۷۵) و در مقام امامت قرار گیرد.(بقرة، آیه ۱۲۴) این در حالی است که برخی از پیامبران الهی نتوانستند در برخی آزمون‌های سخت الهی به سلامت بیرون آیند و در مقامات عالی که ما را از آزمون‌دمی ولی در او عزمی نیافتیم. به این معنا که در مقام عمل نتوانستند تا آن مرتبه‌ای برتر از مقام اهل اسلام نرسند،اندا.آزمون‌های سخت‌تر و عمل نیز عزم داشته باشد.

به هر حال، هر انسانی در هر مرتبه‌ای که قرار داشته باشد همواره دچار آزمون و فتنه است (فجر، آیات ۵ و ۱۶) و در این میان تنها برخی سربلند بیرون می‌آیند و جایگاه وجودی خود را تثبیت کرده و مشخص می‌کنند. (عنکبوت، آیه ۲) هرچه ادعا و مقام انسانی بالاتر رود، آزمون‌ها از نظر کمیت و کیفیت، بیشتر و سخت‌تر می‌شود. در این میان اهل ایمان که در مرتبه‌ای برتر از مقام اهل اسلام نرسند،اندا.آزمون‌های سخت‌تر و سخت‌تری از می‌بایست تحمل کنند. (احزاب، آیه ۱۱ و آیات دیگر)

از آنجایی که گفته‌اند: «البلء لولاء؛ بلا برای دوستان است» هر انسانی که ولایت و دوستی او قوی‌تر باشد به همان نسبت با آزمون‌های سخت‌تر و زیادتر مواجه خواهد شد؛ زیرا قرب الهی مسئولیت‌های بیشتری را موجب می‌شود و همین مساله است که آدمی را مجبور می‌کند تا در صبر و استقامت، قوی‌تر باشد و بتواند انشراح‌های مشکلات سنگین مسئولیت‌ها را تحمل کند. از این رو انشراح صدر و سعه وجودی، از لوازم مسئولیت‌های سخت‌تر و سنگین‌تر است. (سوره انشراح؛ طه، ۲۵) چنانکه دانش مسئولیت‌های

سخت و دشوار نیز مضاعف خواهد بود. (احزاب، آیه ۳۰ و آیات دیگر) شیعه کسی است که ادعای ایمان و عمل بسیار محکم و قوی دارد. او بر این باور است که طایق النعل بالنعل گام در گام پیشوا و رهبر می‌گذارد و سرزونی از نظر فکری و عملی از امامت فاصله نمی‌گیرد و پشت سرش حرکت می‌کند. پس شیعه هرگز از رهبر و پیشوا پیش و پس نمی‌افتد و می‌کوشد همواره ملازم او باشد.

از این رو می‌توان گفت که امام، الگو و اسوه حسنه و کامل مومنان است و شیعه او را بر خود اولویت می‌دهد و هر فرمانی بدهد از جان و دل می‌پذیرد، اگرچه حکمت و فلسفه آن فرمان را نداند. پس اگر از سسوی امام معصوم(ع) فرمان رسید خود را در آتش تنور افکند، می‌افکند و به انتظار چرایی نمی‌نشیند، چنان که هارون مکی این گونه عمل کرد و برخلاف سهل بن حسن خراسانی مدعی تشیع، به فرمان امام صادق(ع) به درون تنسور آتش رفت. (بحارالانوار، ج ۴، چاپ بیروت، ص ۱۲۳، ح

❖ امام حسن عسگری(ع) مهم ترین دغدغه‌های شیعی گری را در رفتارهای اجتماعی قرار می‌دهد؛ زیرا راه رسیدن انسان به کمال همواره از درون اجتماع می‌گذرد و هیچ انسانی نمی‌تواند به دور از جامعه،خود را به کمال برساند.

۱۷۲، باب ۲۷ و نیز سفینه البحار، ماده هرن، و نیز منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۶۷، چاپ هجرت.

امام حسن عسگری(ع) همانند دیگر معصومان(ع) بر آن بود تا چنین

شیعیانی را تربیت کند که در اوج ایمان قرار داشته باشند. از این رو در اشکال گوناگون به تبیین ویژگی‌های مومنان واقعی و شیعیان حقیقی می‌پردازد. این صفات را می‌توان دست کم در چهار بخش خلاصه کرد:

۱- صفات ظاهری: هر چند که برخی بر این باورند که آنچه همواره مهم و اصیل است، باطن امور است نه ظاهر آن، ولی باید توجه داشت که همواره ظاهر در باطن و باطن در ظاهر تأثیرگذار و متأثر از یکدیگر است. بنابراین، اگر باطن و روان کسی خوب و خوش باشد، این نه تنها در بدن بروز می‌کند بلکه در پوشش ظاهری او نیز خودنمایی می‌کند. وضعیت آشفته روح، در چهره و پوشش، خود را نشان می‌دهد. همچنین انسانی که تلاش می‌کند به هر شکلی شده ظاهر خود را خوب و خوش نشان دهد، هرچند که روح و روان آشفته و ناسالم باشد، در بلندمدت تأثیر خود را بر آن خواهد گذاشت. پس نمی‌توان به ادعای اینکه اصالت از آن باطن است نسبت به ظاهر و پوسته‌ی بی‌نقاوت بود. به عنوان نمونه برخی‌ها شریعت را پوستین حقیقت ایمان دانسته‌اند، ولی شکی نیست که از نظر اسلام همین پوسته تا چه اندازه مهم است؛ زیرا تأثیرات شگرفی در تغییر ماهیت باطن انسان ایجاد می‌کند؛ کسی که مثلا نماز اولی وقت یا حجاب را مراعات می‌کند، در یک فرایندی قلب او به حیا و عفت می‌رسد و متأثر از سلوک ظاهری خواهد بود؛ همچنین کسی که به ظاهر، اهل عفت است اگر حیا را مراعات نکند و حجاب را بر سر نگذارد، در نهایت دچار بی‌عفتی خواهد شد.

اصولا انسان‌ها تنها به باطن اعمال و رفتار کار ندارند، بلکه برای آنان ظاهر نیز بسیار مهم و اساسی است؛ چرا که روحیه زیباشناختی انسان

متارف

Maaref@kayhannews.ir

به مناسبت هشتم ربیع‌الاول سالروز شهادت یازدهمین ستاره هدایت

صفات شیعیان از نظر امام حسن عسگری (ع)

■ **محمد شمسی یگانه**

انسان می‌شود و نیز عاملی مهم در همبستگی و جلب و جذب محبت قلوب مردمان بشمار می‌رود.

۲- صفات باطنی: انسان می‌بایست ازنظر اخلاق فردی به چنان جایگاهی برسد که هیچ فضیلتی نباشد مگر در او یافت شود و همه ریذیلت‌ها در جمله حسد، بخل، کبر و... را از خود دور ساخته باشد. اهل ایمان و تشیع کسی است که مجسمه فضایل است و هرکسی با او نشست و برخاست دارد به سادگی از عظمت روح و روان او آگه می‌شود و آثار فضایل باطنی او موجب جذب قلوب همگان می‌شود. در تلاش خودسازی، زمین‌چودش را از هر گناه و پلیدی پاک کرده و اجازه می‌دهد تا خداوند پندر فضایل را در جانش بکارد و آبیاری کند و پرورش دهد؛ زیرا می‌داند که وظیفه او در مقام تزکیه جز این نیست که از هرگونه پلیدی دوری کند و نگذارد تخم خار و خشکاب بر جانش بریزد. پس اصل را بر لاتغفل قرار می‌دهد و به شجره حیات «گناه» نزدیک نمی‌شود تا تخم آن بر جانش بریزد و اجازه می‌دهد تا خداوند خود در مقام تزکیه، او را بسازد و به درختان صفات کمالی بیاریابد. (نساء، آیه۴۹؛ نوره، آیه ۲۱ و آیات دیگر)

۳- رفتار فردی: در رفتارهای فردی تأکید بر این است که همواره تلاش کنی تا خودت را تربیت کنی و با عمل به شریعت، خود را به کمالات برسانی و قرب الهی را درک کنی. از این‌رو حضرت بر مواظبت بر انجام واجبات و ترک محرمات تأکید می‌کند و حتی خواهان آن است که نماز شب را همواره بجا آوری؛ چرا که راه رسیدن به لقای الهی سوار شدن عمل صالح به خود راه نمی‌دهد، چراکه اگر همه مردم علیه او شوند خود را با خدا می‌بندد و به انس الهی آرام می‌شود. به سخن دیگر، کسی که با خدا مأنوس شود دیگر از تنهایی در میان مردم وحشت ندارد، بلکه از مردم بی‌دین نیز حتی گریزان خواهد بود و نمی‌خواهد وقت خودش را با آنان بگذراند. امام حسن عسگری در این‌باره می‌فرماید: من انس بالله استوحش من الناس؛ کسی که با خدا مأنوس باشد، از مردم گریزان گردد. (مسند الامام (مسند الامام العسکری، ص ۲۹۰) انسان در شب می‌تواند خودسازی را کامل کنی بد آنکه تحت تأثیر بیرون قرار گیرد. این‌گونه است که انس شب، او را با خدا مأنوس می‌کند و کسی که با خدا مأنوس شود دیگر از تنها بودن در کارهای الهی و خیر نمی‌هراسد و ترس و وحشتی از تنهایی در ایمان و عمل صالح به خود راه نمی‌دهد، چراکه اگر همه مردم علیه او شوند خود را با خدا می‌بندد و به انس الهی آرام می‌شود. به سخن دیگر، کسی که با خدا مأنوس شود دیگر از تنهایی در میان مردم وحشت ندارد، بلکه از مردم بی‌دین نیز حتی گریزان خواهد بود و نمی‌خواهد وقت خودش را با آنان بگذراند. امام حسن عسگری در این‌باره می‌فرماید: من انس بالله استوحش من الناس؛ کسی که با خدا مأنوس باشد، از مردم گریزان گردد. (مسند الامام العسکری، ص ۲۸۷)

۴- رفتار اجتماعی: بی‌گمان عدالت، مهم‌ترین هدف و فلسفه دین است. لذا همواره در محوریت قرار می‌گیرد. آموزه‌های قرآنی بر آن است تا همه انسان‌ها به دور از رنگ و نژاد و دین و مذهب، به چنان درجه‌ای از معرفت علمی و عملی برسند که برای کسب حقوق طبیعی خود یعنی عدالت قیام کنند و نسبت به آن کوتاه نیایند. (حدید، آیه ۲۵) اسلام از انسان‌ها می‌خواهد همه هدف زندگی خود را عدالت قرار دهند و در این

❖ امام حسن عسگری (ع) با یک قاعده طلایی بر آن است تا رفتار شیعیان را به بهترین شکل سالم‌سازی کند. از این رو معیاری را به مومنان معرفی می‌کند که می‌توان با آن در هر حالی رفتار خود را ارزیابی کرد و از سلامت رفتار خود آگاه شد. آن حضرت(ع) می‌فرماید:

در مقام ادب برای تو همین بس که خود را از هر آنچه از دیگران نمی‌پسندی، دور داری.

و خداوند ما را پاک شمرده، احدی جز ما مدعی این مقام نیست، مگر آنکه دروغ می‌گوید. زیاد به یاد خدا باشید و زیاد یاد مرگ کنید و زیاد قرآن را تلاوت نمایند و زیاد بر پیغمبر(ص) صلوات بفرستید؛ زیرا صلوات بر پیامبر (خلاص) ده حسنه دارد. آنچه را به شما گفتم حفظ کنید و شما را به خدا می‌سپارم و سلام بر شما. (تحفالعقول، ص ۴۸۷ و ۴۸۸) در این بیان نورانی به ویژگی‌های مهمی اشاره شده است که می‌تواند باطن و ظاهر ایمانی شیعیان را بسازد و تقویت کند و ایشان را در مرتبه‌ای بالاتر و فراتر از هر مسلمانی قرار دهد. رفتارهای ظاهری چون حضور در تشییع جنازه و عیادت بیماران و مانند آن موجب تقویت روحیه ایمانی

وفای به عهد، تلایه‌دار آیین اسلامی

۱- **وفای به عهد تلایه‌دار آیین اسلام**



چرا که به فرموده معصومین علیهم السلام این امور، کارهایی هستند که او به آنها عادت کرده و آنها را از روی عادت انجام می‌دهد و چنانچه یکروز آنها را انجام ندهد دچار وحشت می‌شود.

آن حضرت(ص) می‌فرماید:

(من کون یومنه بالله والیوم الآخر فلیف اذنا وعد؛ آن کس که به خدا و روز جزایمان دارد، باید به عهد و پیمان وفادار باشد) ^(۱)

همانگونه که مشاهده می‌شود در این جایز سخن از این مطلب به میان آمده که انسان مومن کسی است که به عهد و پیمان وفادار است. آری مومن کسی است که به وعده‌هایی که می‌دهد پایبند است و چنانچه بداند از عهده کاری پرمنی‌آید از وعده دادن خودداری می‌ورزد و دیگران بی‌جهت به کاری که از توانش خارج است امیدوار نمی‌سازد.

۳-ب: وفای به عهد نشانه دیانت

تدین و دیانت صفتی است که همه انسانها به نوعی خود را بدان متصف می‌سازند اگرچه از این صفت بهره چندانی نداشته باشند و این خود دلیل آن است که برخورداری از دیانت در نزد مردم ارزشی والا محسوب می‌شود. اما آنچه قابل توجه باید باشد این است که صرف تظاهر به دیانت و تدین اگرچه در نزد دیگران می‌تواند آبرویی برای آدمی دست و پا کند ولی در پیشگاه پروردگار تنها کسی متدین خوانده می‌شود که از دیانت آثاری در رفتار و گفتار و متجلی باشد که یکی از این آثار هم (وفای به عهد) است و اگر کسی نسبت به وعده‌های خود تخلف داشته باشد در نزد خداوند متدین خوانده نمی‌شود و اصولا کسی که از وفای به عهد بهره‌ای نبرده از دیانت نیز بهره است همچنان که امام موسی کاظم(ع) از قول جد بزرگوارش نیز مکرر (سلام(ص) می‌فرماید:

(لا ین لاین لا عهد له: دین ندارد آنکه به عهد و پیمان وفادار نباشد).^(۲)

صفحه ۶
یک‌شنبه اول بهمن ۱۳۹۱
ربیع‌الاول ۱۴۳۴ - شماره ۲-۴۱۰

سبک زندگی اسلامی

تواضع

از مباحثی که به نوعی در رابطه بین نظریه و عمل قرار می‌گیرد بحث از سبک زندگی است که در آن از الگوهای رفتاری عینی و عملی با توجه به یک نوع نگرش و مکتب خاص سخن به میان می‌آید. در این باره قصد بر آن است تا با نگاه به الگوی عملی و رفتاری پیشوایان دین در ستون «سبک زندگی اسلامی» به مسائل مبتلابه روز جامعه در باب الگوهای رفتاری از منظر دینی پرداخته شود. امید است این موضوع راهگشای مباحث اخلاق عملی متعالی خصوصا اخلاق اجتماعی در جامعه گردد.

❖❖❖

در سنت پیامبراکرم(ص) و اهل بیت معصومین(ع) این آموزه هم در عمل و هم در گفتار بسیار به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه در روایتی درباره سلوک اجتماعی رسول خدا نقل شده‌است که «ایشان لباس خویش را وصله می‌نمسود و کفش خود را پینه می‌کرد و خود گوسفندان را می‌دوشید و با غلامان غذا می‌خورد، روی زمین می‌نشست و سوار حمار می‌شد و شخص دیگری را هم، هم ردیف خود سوار می‌نمود بی‌آنکه خجالت بکشد. نیازهای زندگی خود را بازار تهیه می‌کرد و خود به سوی خانه حمل می‌کرد. با ثروتمند و فقیر یکسان دست می‌داد و دست خود را نمی‌کشید تا اینکه طرف مقابل بستان خود را بازگشدد. آن حضرت به هر کس می‌رسید ابتدا سلام می‌کرد چه او ثروتمند بود یا فقیر و چه کوچک بود یا بزرگ. اگر پیامبر را برای چیزی دعوت می‌کردند. آن را کم نمی‌شردم و حتی اگر خرمایی خشکیده بود.»^(۱)

همچنین از امام صادق(ع) روایت شده که رسول‌خدا(ص) فرمودند: «پنج چیز را تا هنگام مرگ ترک نخواهم گفت تا اینکه بعد از من سنست شود. غذاخوردن روی زمین همراه بردگان، سوارشدن بر الاغ بدون پالان، دوشیدن بز با دست خود، لباس پشمین پوشیدن و سلام‌کردن به کودکان.»^(۲)

۱-فناجیح الحیاه به نقل از : تحفالعقول، ص ۲۷۴

۲- سنن التبی، ص ۷۹

مسأ گروه‌های نجات یابنده و فرقه‌های پاکی هستند که حافظان آیین مایند و ایشان در مقابل مستکاران، سیر و کتم کار ما هستند. به زودی چشمه‌های آنان حیات منجی بشریت بعد از گنازه توده‌های آتشا پیش از ظهور برای آن خواهد جوئید. (الزام الناصب، ص ۱۸۸) امام حسن عسگری(ع) مهم ترین دغدغه‌های شیعیی گری را در رفتارهای اجتماعی قرار می‌دهد؛ چرا که انسان اگر بخواهد به مسئولیت انسانی و اسلامی خود عمل کند تا صفات الهی را در خود بروز دهد و مثاله و خدایی شود، می‌بایست به جامعه و انسان‌های دیگر توجه ویژه‌ای داشته باشد، زیرا راه رسیدن انسان به کمال همواره از درون اجتماع می‌گذرد و هیچ انسانی نمی‌تواند به دور از جامعه،خود را به کمال برساند.

امام(ع) با یک قاعده طلایی بر آن است تا رفتار شیعیان را به بهترین شکل سالم‌سازی کند. از این رو معیاری را به مومنان معرفی می‌کند که می‌توان با آن در هر حالی رفتار خود را ارزیابی کرد و از سلامت رفتار خود آگاه شد. آن حضرت(ع) می‌فرماید: کفاک ادبا تتجنک ما ترکه من غیرک؛ در مقام ادب برای تو همین بس که خود را از هر آنچه از دیگران نمی‌پسندی، دور داری. (مسند الامام العسکری، ص ۲۸۸) پس اگر رفتاری را دوست نداری که دیگران در حق تو بکنند، خودت از آن رفتار بپرهیز کن تا این گونه ادب را به درستی رعایت کرده باشی. آن حضرت(ع) به عنوان نمونه می‌فرماید: لیس من الادب اظهار الفرح عند المحزون؛

اظهار شادی نزد غم‌دیده، از بی‌ادبی است. (تحف العقول، ص ۴۸۹) چرا که آدمی دوست نمی‌دارد وقتی غمگین و محزون است کسی نزد او اظهار شادی و خوشحالی کند. پس اگر خودت دوست نداری که چنین با تو رفتار کنند، پس خودت نیز این چنین رفتار نکن تا بی‌ادب جلوه نکنی. آنچه بیان شد تنها گوشه‌ای از حقیقت شیعه واقعی از نظر امام حسن عسگری(ع) است. امام حسن عسکمی به همین قاعده طلایی ایشان در برخورد‌های اجتماعی عمل کرد گویی بلند برای رسیدن به لقای الهی و قرب او برداشته است و زمینه خدایی شدن و ربوبیت خود را فراهم آورده است.

۴- **ب: وفای به عهد شرط ورود به بهشت**

در کلامی دیگر از وجود مبارک رسول اکرم(ص) می‌خوانیم: (شش چیز را برای من بپذیرید تا بهشت را برای شما ببینم؛ هنگامیکه یکی از شما سخن می‌گوید دروغ نگویید و هنگامی که وعده می‌دهد تخلف نوزرد و...) ^(۳)

تمامی سعی یکی مومن در حیات دنیوی این است که بتواند از گرداب پر خطر دنیا رخت خود را با سلامت به در برده و اهل بهشت و سعادت ابدی گردد و برای یک انسان حساس نسبت به سرزشت اخروی خود هیچ موفقیت و پیروزی بالاتر از این نیست که به هنگام ملاقات با پروردگار جواز دخول در بهشت و رضوان الهی را دریافت کند. پیامبر گرامی اسلام(ص) در این کلام گرانسنگ از وفای به عهد به عنوان یکی از اموری یاد می‌فرماید که عمل بمان بدون تردید آدمی را به سعادت ابدی در بهشت خداوند نایل می‌گرداند. پس بر انسان طالب سعادت و ورود به بهشت فرض است که در عمل به این امر و واجب الهی کوتاهی نوزرد.

۵-وفای به عهد نسبت به همه کس

شاید از دیدگاه برخی از ما این گونه باشد که اموری از قبیل (وفای به عهد) تنها زمانی لازم ال‌رایعه هستند که طرف حساب با فردی مسلمان باشد و تنها به وعده‌هایی که به همکیشان مسلمان خود می‌دهیم باید پایبند بوده و وفادار باشیم و چنانچه به فردی غیرمسلمان وعده‌ای دادیم چندان نیازی به وفا کردن نیست! حال آنکه از منظر پیشوایان این آیین آسمانی هرگز چنین نبوده و وفای به عهد نسبت به همه انسانها لازم و ضروری است اگرچه طرف وعده ما کافر بود و حتی از دایره ادیان توحیدی نیز خارج باشد همچنان که در سخنی از زرتشتند از رسول مکرر اسلام(ص) نقل شده است:

(تلاکه لیس لاحد فیهن رخصه؛ الوفاء للمسلم کان او کافر؛ سه چیز است که احدی مجاز نیست از آن تخلف و سرپیچی کند: اول وفای به عهد خواه طرفی پیمان مسلمان باشد یا کافر)^(۴)

۶: ترک وفای به عهد نشانه منافقین

در پایان این مقال ضروری دانستیم که با بیان سخنی دیگر از پیامبر اکرم(ص) این مطلب را یادآور شویم که ترک وفای به عهد یکی از نشانه‌های مسگانه منافقین بوده و گناهی است که انسان را در زمره آنان درمی‌آورد و در نتیجه حقایق صریح ابد و حد و چهل و پنج سوره مبارکه نساء که می‌فرماید:

(ان المنافقین فی الذکر الاسلامف من النساء: منافقین، در پایین درتری درجات آتش هستند) آدمی را به شقاوت ابدی دچار میگرداند.

رسول اکرم(ص) اسلام(ص) می‌فرماید: (للمناق ثلاث علامات: اذا حدث کذب و اذا وعد اخلف و اذا اتمنن خان؛ برای مناق سه نشانه است: هنگامیکه سخن بگوید دروغ می‌گوید و به او سهرده شود در آن خیانقت می‌ورزد.) بی‌بوشته!

۱-تهنح‌البلاغه ترجمه محمد دشتی نامه ۵۳

۲-تهنح‌الفصاحه ترجمه علی کرمی فردینی ص ۴۵۳

۳-الحدید ۱۶۴

۴-الحدید روایات تربیتی، ج ۱ ص ۱۰۰

۵-جهان

۶-تهنح‌الفصاحه ترجمه علی کرمی فردینی ص ۲۱۸

۷-الحدید روایات تربیتی، ج ۱ ص ۹۹

^[1] امام حسن عسگری (ع) به عنوان اسوه حسنه امت اسلام بر آن است تا مومنان واقعی را با سلوکی تربیت کند

^[2] امام حسن عسگری(ع) همانند دیگر معصومان(ع) بر آن بود تا چنین شیعیانی را تربیت کند که در اوج ایمان قرار داشته باشند

^[3] امام حسن عسگری(ع) مهم ترین دغدغه‌های شیعیی گری را در رفتارهای اجتماعی قرار می‌دهد؛ زیرا راه رسیدن انسان به کمال همواره از درون اجتماع می‌گذرد و هیچ انسانی نمی‌تواند به دور از جامعه،خود را به کمال برساند

^[4] امام حسن عسگری(ع) مهم ترین دغدغه‌های شیعیی گری را در رفتارهای اجتماعی قرار می‌دهد؛ زیرا راه رسیدن انسان به کمال همواره از درون اجتماع می‌گذرد و هیچ انسانی نمی‌تواند به دور از جامعه،خود را به کمال برساند